





بسم الله الرحمن الرحيم

صفحه	عنوان
۳	پیام وحی
۴	کلام معصوم (ع)
۶	هنر و معماری اسلامی
۱۲	زبان شهر
۱۸	چگونگی شکل گیری حس تعلق در شهر
۲۳	شیخ ما گفت
۲۴	بخش ویژه نماز
۲۷	ده اصل برای انتخاب شریک زندگی مناسب
۲۹	مناسبت‌ها در فصل بهار ۹۷
۴۰	اخبار دانشگاه در بهار ۹۷

فهرست مطالب

عنوان مجله:
جامع شیخ بهایی
(مجله داخلی دانشگاه شیخ بهایی)
بهار ۹۷

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر سید محمود خاتون‌آبادی؛ معاونت دانشجویی و فرهنگی
طرح جلد و صفحه آرائی: فهیمه موسوی
نگارش، بررسی و نظارت: شورای سردبیری

رایانامه مجله:
Jshbu1392@gmail.com
jshbu@shbu.ac.ir



پیام وحی

مریم کاظمی *

"یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم ا لصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون"**"ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرر شد، همانگونه که بر پیشینیان شما مقرر شد، تا پرهیزکار شوید."**

روزه در دین مبین اسلام یا همان صیام عملی است که انسان از اذان صبح تا اذان مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید. در واقع روزه یکی از آداب مذهبی است که برای معتقدین به عنوان وسیله‌ای برای تقرب به خداوند، آمادگی برای مراسم مذهبی، پالایش بدن در راستای درک امور معنوی و کفاره گناهان کاربرد دارد. روزه تمایل انسان به پدید آمدن شرایط جسمی و روانی است که وسیله‌ای برای ارتباط میان بنده با خدای متعال ایجاد می‌کند. و در نتیجه جایگاه نیازهای معنوی را اعتلا بخشیده و خواسته‌های مادی را کوتاه می‌نماید. و به این جهت خداوند متعال در کلام آسمانی خود مهمترین هدف و حکمت از وجود روزه را رسیدن به تقوا بیان می‌کند. چرا که طبق فرمایش امام علی (علیه السلام): "تقوا سرور همه خصلت‌های اخلاقی است." از سوی دیگر روزه درس مساوات و برابری در جامعه است. و به همین علت باعث آرامش انسان می‌گردد. **"الصیام والحج تسکین للقلوب: روزه و حج برای انسان آرامش دل می‌آورد."**

همچنین روزه سبب می‌شود تا روح هوس و شهوت رانی در انسان شکسته شود و با شکسته شدن دل، عقل انسان هویدا می‌گردد.^۱ حضرت زهرا (سلام الله علیها) در خطبه تاریخی خود خطاب به مردم درباره فلسفه روزه می‌فرمایند: **"فرض الله الصیام تثبیتاً للاخلاص: خداوند روزه را واجب گردانید تا اخلاص مردم را به ثبوت برساند."**^۲ بنابراین روزه بهترین راه برای آزمودن اخلاص یا به عبارتی تنها عبادتی است که می‌شود با آن اخلاص مردم را آزمود. اما متداول‌ترین تاثیر روزه آشکار شدن حال و روز گرسنگان و نیازمندان نزد ثروتمندان است، تا در آن‌ها حس عدالت خواهی، مساوات اجتماعی، اقتصادی و حس شفقت و مهربانی را بر انگیزد.

همان بر دل هر کسی بوده دوست نماز شب و روزه آیین اوست^۳

و شاید به خاطر همین حکمت‌های متعدد روزه است که در بیشتر ادیان الهی نسبت به آن سفارش شده و جزء دستورات عملی آن‌ها قرار گرفته است. چنانکه در عهد عتیق آمده است که حضرت موسی (ع) چهل شبانه روز در کوه سینا روزه گرفت و در عهد جدید روزه گرفتن حضرت یحیی و عیسی (علیهما السلام) ذکر شده است، هر چند حضرت عیسی (ع) روزه ریاکاران را تقبیح می‌کرده‌اند.^۴ اما در پایان استناد می‌کنیم به حدیثی از امام جعفر صادق (علیه السلام) که می‌فرمایند: "برای هر چیزی زکاتی هست و زکات بدن‌ها روزه گرفتن است."^۵

"کوله بارت بر بندا شاید این چند سحر فرصت آخر باشد! که به مقصد برسی."

چه غافل بودیم، می‌شود آسان رفت، می‌شود کاری کرد که رضا باشد او...

چه غافل بودیم، می‌شود آسان رفت، می‌شود کاری کرد، که رضا باشد او..."

* - مدرس معارف اسلامی دانشگاه شیخ بهایی

۱- قرآن کریم، بقره، مایه ۱۸۳

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۰۲

۳- امامی طوسی، ص: ۲۹۶، ج: ۵۸۲

۴- وسائل الشیعه، ج: ۱۳، باب ۱

۵- جامع احادیث شیعه، ج: ۱۰، ص: ۲۹۴

۶- فردوسی شاهنامه

۷- التبیان، ج: ۱، باب ۱۵، ۱۸-۱۹

۸- الفصول المهمه فی اصل الایمان، ج: ۳، ص: ۳۳۶



کلام معصوم

* مریم کانلی

امام علی (علیه السلام): "بش الزاد الی المعاد العدوان علی العباد"

"بد توشه‌ای است برای روز قیامت ستم کردن بر بندگان خدا"^۱

همواره در طول تاریخ شاهد آن هستیم که ظلم و ستم هیچ پایه و اساسی ندارد و خداوند از کسی که ظلم می‌کند بر دیگران خشونت نبوده و بارها او را سرزنش نموده است، چون ظلم از صفات رذل بوده، و عدل از صفات الهی خداوند متعال است. و بدون شک خداوند عالم بشریت را برمدار حق و عدالت آفریده است چنانکه لسان الغیب می‌فرماید:

خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل^۲

دور فلکی یک سره بر منهج عدل است

اما ظلم چیست؟ و تاثیر ستم بر دیگران چگونه است؟ که به شدت مورد سرزنش خداوند و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) قرار گرفته است!

ظلم عبارت است از گذاشتن یک شیء در غیر محل و جای مناسب آن. پس براین اساس ظلم در مقابل عدل و داد قرار می‌گیرد. زیرا عدل عبارت است از قرار دادن هر چیز در جای خودش. در علوم اجتماعی نیز ظلم شامل غصب و نادیده گرفتن حقوق اجتماعی و اقتصادی افراد و اجبار آن‌ها به اموری ناپسند که برایشان مطبوع و مطلوب نیست می‌باشد، و در معنی خاص ظلم یعنی زیان رساندن به غیر و آزاد دادن به او، و در معنی عام تجاوز از خط اعتدال در هر چیز را شامل می‌شود.

در فرهنگ اسلامی مسلمانان از ستمگری نهی بسیار شده‌اند، زیرا ستم و تجاوز حقیقت انسانی و سلامت روحی و معنوی انسان را به خطر می‌اندازد و وی را از پیمودن مسیر درست و نیل به سعادت دنیوی و اخروی باز می‌دارد. ستم بر دیگران نظام زندگی اجتماعی را دچار هرج و مرج و انواع ناپسامانی‌ها ساخته، و امنیت و آرامش را که زمینه‌ساز تعالی آحاد جامعه است، از بین برده و دستیابی به کمالات و فضایل اخلاقی را مشکل می‌سازد. از سوی دیگر ستم زمینه ساز محرومیت از نعمت‌هاست. و گاهی محرومیت اقتصادی و تنگناهای مادی نشانه قهر و کفر الهی است. در این زمینه امام علی (ع) در قسمتی از نامه خود به مالک اشتر می‌نویسند: "...و هیچ چیزی همانند در پیش گرفتن شیوه ستمگری موجب دگرگونی نعمت خدا نمی‌شود. ستم، کفر را بسیار نزدیک می‌سازد، خداوند نفرین و دعای انسانهای ستمدیده را زود می‌شنود و ستمکاران را به سزای اعمالشان می‌رساند. خداوند همواره در کمین ظالمان و ستم پیشگان است."^۳

همچنین ستم نشانه بی‌ایمانی به معاد است، چرا که انسان معتقد به روز واپسین، هرگز حاضر به ستم به دیگران نمی‌شود. در واقع ستمگری دشمنی با خداوند است "کسی که به بندگان خدا ستم کند، در حقیقت با خدای سبحان به عناد و دشمنی

برخاسته است."^۴

بترس از خدا و میزار کس ره رستگاری همین است و بس^۵

البته برای در امان ماندن از آلودگی ستم، راههایی وجود دارد، از جمله اندیشیدن در نتایج و دست آوردهای زبان بار اعمال ظالمانه و شاید بدین سبب امام علی (ع) در بخشی از خطبه خود خطاب به مردم کوفه می‌فرماید: "...چگونه به کسی ستم کنم، برای خاطر نفس خودم که به سمت کهنگی و پوسیده شدن می‌رود و مدت زمان بسیار طولانی در خاک جای می‌-

* - مدرس معارف اسلامی دانشگاه شیخ بهائی

۱ - رضاهادی زاده، محمد، حکمت‌های نهج البلاغه، ج ۲، نشر تابان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰.

۲ - حافظ، غزالیات، شماره ۳۰۴

۳ - مجله گلرگ، بهمن ۱۳۸۱، شماره ۳۸.

۴ - نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵ - ابو القاسم فردوسی، شاهنامه



گیرد... به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زمین و آسمان‌هاست، به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جویی را از مورچه، ناروا بگیرم چنین نخواهم کرد.^۱

که روزی در افتی به پایش چو مور

مزن بر سر ناتوان دست زور

توانا تر از تو هم آخر کسی است

گرفتم ز تو ناتوان تر بسی است

که خلق از وجودش در آسایش است^۲

خدا را بر آن بنده بخشایش است



^۱ - نهج البلاغه، باب دوری از ظلم

^۲ - سعدی، بوستان جاب دوم

هنر و معماری اسلامی

مرتضی جعفری فشارکی*

چکیده:

در طول تاریخ، اقوام و ملل مختلف در طی قرون و سالهای متمادی دست به ابداع و ابتکاراتی در زمینه‌های مختلف هنری زده و از خود سبکها و مکاتب مختلفی به جا گذارده‌اند. با پیدایش اسلام در عربستان و گسترش آن در کشورهای دیگر سبک جدیدی از هنر و معماری در عالم اسلام پدیدار شد که در این نوشتار برآنیم تا با روش توصیفی- تحلیلی و استناد به کتب و مطالب و اظهار عقیده صاحب نظران به آن بپردازیم.

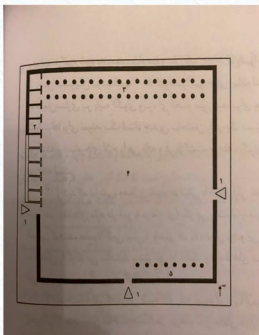
مقدمه:

به هنر اسلامی نامهای گوناگونی داده‌اند که هیچ یک از دقت لازم برخوردار نیست. مدتها شایع‌ترین این نامها "هنر عرب" بود. حال آنکه هنر اسلامی به هیچ روی مترادف با هنر اعراب که مردمی چادر نشین و فاقد پیشینه هنری بودند، نیست. اصطلاح "هنر مغربی" نیز اعتبار بیشتری ندارد. مورها، بربرهای صحرا یا مُرابطون یا موحدون هستند، که حیطه فعالیت هنری آنها اساساً مراکش و بخشی از اسپانیا بوده است. عنوان هنر "ساراسن" نیز دچار محدودیت است. این عنوان گنگ را نخست بار، یونانیان و رومیان و بعدها صلیبیون برای مشخص کردن سوارانی به کار بردند که در سوریه و مصر می‌جنگیدند. از این رو ظاهراً "هنر اسلامی" به لحاظ جغرافیای تاریخی و هم از نظر تاریخ هنر تنها نام قابل قبول است. این عنوان از واژه عربی "مسلم" (آنکه به خدا توکل کند) که حضرت محمد (ص) بر نخستین پیروان خود نهادند، گرفته شده است.

تاریخ:

به غیر از هنر چینی، هیچ سبکی قلمروی به گستردگی هنر اسلامی ندارد. این هنر، هند، بین‌التهرین، ایران، سوریه، فلسطین، ترکیه، مصر، تونس، الجزایر، مراکش، اسپانیا و سیسیل را در بر می‌گیرد. هنر اسلامی از هنگام رحلت حضرت محمد (ص) در ۶۳۲ میلادی آغاز شد، قرن‌ها دوام یافت و در سده‌ی هیجدهم در برخی از کشورها منقرض شد. پس از هجرت حضرت محمد(ص) به مدینه اولین مسجد اسلامی که در واقع هم منزل مسکونی پیامبر (ص) و هم دارالحکومه و هم محل اجتماع تازه مسلمانان برای برپائی نماز و جلسات وعظ و خطابه بود بر پا شد. این اولین بنایی است که به عنوان معماری اسلامی مطرح شده است.

*- عضو هیئت علمی گروه مهندسی شهرسازی و معماری دانشگاه شیخ بهائی



خانه مسکونی پیغمبر (ص) اولین مسجد اسلام

پیامبر (ص) با پیروان خویش که از مهاجرین و انصار بودند فاتحانه به مکه وارد شدند و هم در این شهر در شصت و سه سالگی رحلت فرمودند. پس از ایشان به ترتیب خلفای راشدین با عنوان خلیفه مسلمین، جانشینان وی شدند. از آن هنگام فتوحات مسلمین آغاز شد و مدتها ادامه یافت. قلمروی که این جنگجویان طی یک قرن فتح کردند، در خور ملاحظه‌تر از قلمروی بود که رومیان طی هفت قرن بدست آوردند. حقیقت امر این است که این نبردهای بزرگ بی نظیر و فتوحات، ثمره تلاش منادیان مسلمان بود. از سده هفتم میلادی به بعد مسلمانان در ایران، بین النهرین، سوریه و اندکی پس از آن در مصر و تونس حضور یافتند. در سده‌های بعد مراکش و اسپانیا را نیز فتح کردند و از طریق اسپانیا به فرانسه و مناطقی از آن نفوذ یافتند و تا نرماندی و سیسیل پیش رفتند. در سال ۷۳۲ م. "شارل مارتل" موج تهاجم‌های اسلام را متوقف ساخت. مسلمانان با عقب نشینی از فرانسه خود را به جنوب اسپانیا رساندند و به مدت هشت قرن در اندلس متوقف شدند.

ویژگیهای عمومی هنر اسلامی:

اعراب هنری خاص خود نداشتند و دارای هیچگونه پیشینه هنری نبودند، با این همه موفق شدند به یاری عناصر گرفته شده از هنرهای خارجی، به ویژه هنر ایران و هنر بیزانس (روم شرقی) سبک خاصی را به وجود آورند. این نمونه‌ای تقریباً یگانه در تاریخ هنر است. هنر اسلامی، هنری نیست که خود به خود به وجود آمده باشد، بلکه حاصل آمیختگی هنر شرقی و هنر کشورهای فتح شده است.

هنر شرقی نخست با تهاجم و سپس با به کار گرفتن بسیاری از کارگران و استادکاران هنرمند که حکمرانان امپراطوری اسلامی از شرق فراخوانده بودند، به غرب رفت.

از سوی دیگر گروه بزرگی از صنعتگران از جمله: سلاح سازان، مسگران، قلابدوزان که بیشتر آنها ایرانی و یا سوری بودند، لشگریان مهاجم را همراهی می کردند. این صنعتگران با خود قالی، پارچه و زین افزارهایی می بردند که برای کشورهای فتح شده، مضامین تزئینی کاملاً نوینی در برداشتند.

مراسم سالیانه حج در مکه نیز جریان ارتباطی با شرق برقرار کرد. زائران فقیر مسیر زمینی را برمی گزیدند و در منطقه های گوناگون که ناچار به عبور از آنها بودند، توقف می کردند. در نتیجه سنت های محلی و شیوه های هنری مربوط به تمدنهای پیشین با هنر شرقی از راه رسیده، آمیخته شد. مثلاً تزئینات هندسی که جایگاهی مهم در تزئینات اسلامی دارد، پیش از حمله اعراب، در مصر، در هنر قبطی و نزد بربرها وجود داشت و هنر گچ بری هندسی و تزئینات چوبی و حجاریهای ایرانی نیز قرن ها در هنر ایران استفاده می شد.

یکی از ویژگیهای هنر اسلامی، نبود تقریباً کامل آثار نقاشی و مجسمه سازی غیر وابسته به معماری است. این دو هنر در معماری جنبه کمکی تکمیل کننده را دارند. جز این هم نمی توانست باشد زیرا دین اسلام، هرگونه آرایه تصویری موجود زنده را منع می کند مگر درختان، گلها یا اشیاء بی جان را. تخطی ازین دستور، جز در هند و ایران، کاملاً جنبه استثنائی دارد. هنرمندان اسلامی، گونه های طرح های هندسی زیبا شناسانه چون: اسلیمی ها، پیچکها و طرح های هندسی را جایگزین گلهای طبیعی کردند به گونه ای که گلها آن چنان تغییر شکل یافته که تقریباً شناخته نمی شوند. هیچ هنری به این اندازه از واقع گرای (رئالیسم) به دور نبوده است.

در معماری اسلامی و تزئینات آن نوعی افزار بندی بسیار ابتدائی به کار گرفته شده است. اما وفور و غنای تزئیناتی بی نظیر از جمله گچ بریهای چشمگیر و مرصع و همچنین مقرنسه های گیلویی ها این کمبود را جبران کرده است. برجسته کاری در این تزئینات بسیار کمباف است و حجاری تقریباً همواره برجستگی کمی دارد و به یاری تکرارکننده کاریها انجام گرفته است. در عوض کاربرد رنگهای گوناگون و طلاکاری نقش بسیار مهمی در هنر اسلامی دارد. متأسفانه، بد زمانه، به بسیاری از آنها آسیب فراوان رسانده است.

هنر اسلامی گنبد های روی ترنیه ها و قوس های ضربی، قوسهای کولی دار و پوشش کاشی را از ایران و قوسهای ساخته شده از سنگ های تراش گوشه دار سفید و رنگی یک در میان، پنجره های مشبک و گنبد های بنا شده روی قیل پوشها را از هنر بیژانس به عاریت گرفته است.

بیشترین آثار معماری اسلامی عمدتاً بین سالهای ۷۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی (۸۱ تا ۱۱۱۲ م.ق.) که به آن، عنوان "معماری اسلامی قرون میانی" داده می شود، به وجود آمده است.

ایران و مصر، هم به لحاظ وسعت و گستردگی در دوران اقتدار حکومت های اسلامی در قرون میانی جایگاهی ویژه دارند و الهام بخش معماری اکثر مناطق جهان اسلام به خصوص از سال ۸۵۰ میلادی به بعد هستند هر چند مصر نقش خود را از سال ۱۵۱۷ میلادی که تبدیل به یکی از ایالت های امپراطوری عثمانی می شود از دست می دهد.

پایان این دوران شکوهمند معماری و هنر اسلامی را حدود سال ۱۷۰۰ میلادی یعنی آغاز قرن هجدهم تعیین کرده اند زیرا دور نزول سیاسی و فرهنگی جهان اسلام همراه با سلطه غرب (اروپای غربی) است که بدون تردید تجربه ای است اسف بار. تأثیر نفوذ غرب، مخرب روشهای بومی و محلی در هنر و معماری بود. در این دوران است که با تزئینات پاروک در مساجد عثمانی و طرح های شهر سازی به سبک پاریس زمان هوسمان در کشورهای اسلامی روبرو هستیم. به این ترتیب آثار معماری اسلامی روبه تخریب می گذارند و هیچگونه مراقبت و نگهداری از آنها صورت نمی گیرد. این شرمی مضاعف است که پس از تخریب بسیاری از آثار ارزشمند معماری اسلامی در حملاتی مانند حمله مغول، با یک دوران طولانی بی تفاوتی و بی توجهی نسبت به آثار باقیمانده معماری اسلامی روبرو هستیم.

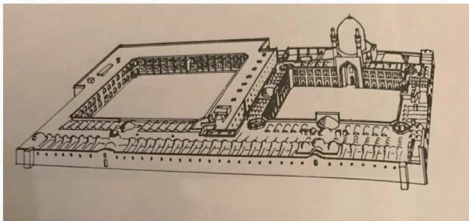
گفته شده که پیش از حمله مغول، شهر ری ۲۷۰۰ مسجد داشت که یکی از آنها هم سالم نمانده است و یا اصفهان در دوران طلایی خود در طی قرن یازده هجری بیش از ۲۰۰۰ کاروانسرای شهری داشته که آنها هم تقریباً نابود شده‌اند و ۳۰۰ مسجد در پالرمو (سیسیل) نیز همین سرنوشت را یافته‌اند.

شهر اسلامی:

عموماً شهرهای اسلامی از یک مرکز خدمات عمومی شهری شامل: مسجد جامع، بازار، حمام، مناره، مدرسه، حسینیه، کاروانسرا و در بسیاری از شهرها به ویژه پایتخت‌ها و بیلاقیات سلاطین و خلفای اسلامی، کاخها تشکیل شده و مساکن شهر در اطراف این مجموعه گسترده می‌شوند. شهرهایی که توسط حاکمین احداث شده‌اند معمولاً از یک میدان اصلی که دارالحکومه را نیز در بر دارد و عناصر معماری فوق‌الذکر یعنی مسجد جامع، بازار، مدرسه و حمام و... را در جوار آن اجرا نموده‌اند تشکیل می‌گردد و رسته‌های اصلی و گذرها به جوانب همین میدان اصلی می‌رسند که خانه‌های مسکونی نیز در اطراف این گذرها شکل گرفته‌اند. مهمترین بنای معماری اسلامی، مساجد هستند که در قرون اولیه اسلام بسیار ساده ساخته می‌شد.

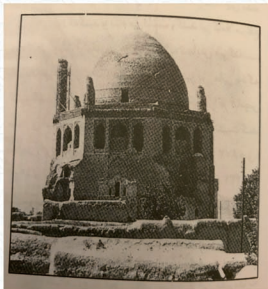


محرابی روی به سوی قبله یعنی حجرالاسود نصب شده در مسجد الحرام در مکه و عمدتاً حیاطی در میان و حصار و دهانه‌های رواق شکل در اطراف صحن حیاط مرکزی و بعد از آن مناره‌ها که جنبه نمادین دارند و به مقتضای گستره‌ی کشورهای فتح شده اسلامی از اسپانیا تا مرزهای چین و تلفیق و آمیختگی هنرهای بومی، اشکال مختلفی به خود گرفته‌اند. بسیاری ازین مناره‌ها میل‌های راهنما هستند.



اسفهان، مجموعه کاروانسرا و مدرسه مادر شاه و بازار سلطانی

مناره‌های داخل شهرها از عملکردهای مختلفی مانند: مأذنه (محل اذان)، اطلاع رسانی پیامها توسط جارجی‌ها و ... برخوردارند. مدارس اسلامی نیز که نوعاً مدارس شبانه روزی بودند و هنوز هم به همان شیوه برای پرورش طلاب استفاده می‌شوند، از بناهای مهم معماری اسلامی هستند. اکثر مدارس علاوه بر حجره طلاب و مدرّس (محل برگزاری کلاس درس) بخشی شامل نمازخانه دارند و نوعاً مسجد-مدرسه هستند. آرامگاه‌ها نیز از بناهایی هستند که در دو قرن اولیه اسلام تقبیح می‌شدند و اصولاً طبق فرمان پیامبر اکرم (ص) قبور مسلمین بایستی ساده و هم سطح زمین و رو به قبله باشد اما به مرور این سنت به فراموشی سپرده شد و از قرن سوم به تدریج آرامگاه‌های خلفا و سپس بزرگان ایجاد شدند و گنبد و پارگاه و بعضاً مناره‌ها بر آن افزوده شدند.



سلطانیه، آرامگاه اولجایتو

بازارها و کاروانسراها نیز در جایگاه بعدی معماری اسلامی قرار دارند و پس از آن حمام‌ها و کاخ‌ها و باغ‌ها و کوشک‌ها و سپس خانه‌ها قرار دارند. هر کدام از عناصر معماری مذکور به لحاظ فرم، عملکرد و معنی، مباحث گسترده‌ای دارند که در این مقال نمی‌گنجد.

نتیجه:

قلمرو فتح شده به دست مسلمین، قلمرو وسیعی بود از اسپانیا تا مرزهای چین که بسیار زود به چند کشور تقسیم شد، کشورهایی که از نظر هنر، ویژگیهای متفاوتی را عرضه می‌دارند. در میان آنها شش گروه یا مکتب را می‌توان تشخیص داد.

- ۱- مکتب سوریه و مصر.
- ۲- مکتب مغرب شامل تونس، الجزایر، مراکش و اسپانیا.
- ۳- مکتب ایرانی که بیشترین آثار معماری اسلامی را در بر دارد.
- ۴- مکتب عثمانی که ترکیه و آناتولی را در بر گرفت.
- ۵- مکتب هند.

به این ۵ مکتب می‌توان مکتب "سیسیل و نرماندی" را در سیسیل، جاییکه پس از هجوم نرماندیاها شاهد آمیختگی در خور توجه هنر رمان یا نرماند، با هنر بیزانس و هنر اسلامی هستیم، افزود. حفظ و نگهداری آثار معماری و هنر اسلامی و پژوهش و تحقیق در جهت شناخت این موضوع که متأسفانه به اندازه کافی در مورد آن تحقیق به عمل نیامده است، وظیفه پژوهشگران و صاحب نظران است. امید آنکه این مهم به انجام رسد.

منابع و مأخذ:

- ۱- آتینگها وزن و الگ گرابر، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران ۱۳۷۸.
- ۲- پیرنیا؛ محمد کریم، معماری اسلامی ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۳- پیرنیا؛ محمد کریم، "مساجد"، معماری ایران دوره اسلامی، گردآوری محمد یوسف کیانی، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۳۶.
- ۴- پیرنیا؛ محمد کریم، شیوه‌های معماری ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، نشر هنر اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۵- هانری مارتن؛ ج. هوگ، سبک شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۶- هیلن براند؛ رابرت، معماری اسلامی "فرم، عملکرد و معنی"، ترجمه ایرج اعتصام، نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

زبان شهر

مینزه رحمتی*

۱- مقدمه

زبان به عنوان وسیله انتقال افکار و بیان احساسات (یا ارزش‌های) جامعه شناخته می‌شود که فرد آنرا به کار می‌گیرد تا به مجموعه آنچه در ذهن خود قرار دارد، لباس لفظ ببوشاند و آن را به دیگران عرضه کند.[۳] و زبان شهر نیز ابزاری است که به ذهنیات و ساختار معنایی جامعه لباس کالبد می‌پوشاند و آن را به دیگران عرضه می‌کند. یعنی ساختار معنایی جامعه را به وسیله یکسری عناصر محتوایی شامل فرم و فعالیت و نحوه کنار هم نشینی آنها، جلوه‌گر می‌سازد.

هر شغلی یک زبان دارد. بنا، معمار، نقاش و غیره هر کدام با زبان خودشان با محیط و مردم ارتباط برقرار می‌کنند. هر خطی که در شهر می‌کشیم دارای فلسفه‌ای در ورای آن است که این فلسفه همان زبان است. هر قسمتی از فضا را تغییر دهیم، زبان آن نیز تغییر می‌کند. مثلاً در یک اتاق خالی اگر چند قفسه کتاب قرار دهیم این تغییر، محیطی را ایجاد می‌کند که با زبان خود به ما می‌گوید اینجا می‌تواند یک کتابخانه باشد. یعنی با تغییر فضا زبان آن نسبت به حالت قبل که اتاق خالی بود و به ما می‌گفت اینجا هیچ خبری نیست متفاوت شد. شهر نظامی متشکل از نشانه‌هاست که با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کند و مفاهیم و معانی ای را به وی منتقل می‌کند.

۲- زبان

زبان و زبان‌شناسی در دهه‌های اخیر در رشته‌های مختلفی از جمله معماری و شهرسازی مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. هدف زبان‌شناسی به عنوان یک علم، تجزیه و تحلیل عناصر زبان و ایجاد دستورالعمل‌هایی عمومی است که تمامی قواعد، باقاعده‌گی‌ها، و انواع بی‌شمار پدیده‌های واقع در آن قلمرو (گفته‌ها در گفتار و یا نوشتار) را خلاصه کرده و تا حد ممکن به هم ربط دهد.

بر اساس یافته‌های معتبر علمی و نیز نظریه پردازی‌های اندیشمندان بزرگ عصر حاضر چون هایدگر یا چامسکی، دیگر نباید به پدیده زبان تنها به عنوان یک ابزار نگریست. زبان عرصه گسترده و عمیقی است که موجودیت انسان و جوامع انسانی و نیز ماهیت فرهنگی آنها را محقق نموده و مجال بروز و ظهور به آنها می‌دهد. تا آنجا که شاید بتوان گفت که انسان در زبان زنده است.[۴]

به نظر هایدگر هستی و زبان رابطه ذاتی و متقابل دارند و در واقع او آنها را یکی می‌داند. به اعتقاد این فیلسوف و اندیشمند شهیر واژه‌ها و زبان لفاظی‌ای نیستند که اشیاء در آن برای سخن گفتن و نوشتن پیچیده شده باشند. اشیاء ابتدا در واژه‌ها و زبان پدید آمده و موجودیت می‌یابند. عقاید هایدگر را در این مورد شاید بتوان در این جمله‌اش خلاصه کرد که ما با زبان سخن نمی‌گوییم، بلکه بر عکس، این زبان است که از طریق ما سخن می‌گوید. ما سخن نمی‌گوییم بلکه سخن ما را می‌گوید.[۶]

زبان دارای نوعی خاصیت تعمیم‌پذیری است که بوسیله یکسری لغات معنی و قواعد دستوری مشخص، بیان اندیشه و درک آن را در یک جامعه خاص امکان پذیر می‌سازد. از سویی دیگر زبان دارای خاصیت خلاقانه است به این مفهوم که استفاده از همان لغات و قواعد مشخص امکان بیان انواع گوناگون اندیشه‌های افراد را فراهم می‌سازد و باعث خلق متن‌های مختلفی می‌شود که هر یک ذهنیت خاص گوینده را انعکاس می‌دهد.[۱۰]

* عضو هیئت علمی گروه شهرسازی و معماری دانشگاه شیخ بهایی، کارشناس ارشد طراحی شهری

۲-۱- زبان، محیط و فضا

یکی از مباحثی که اخیراً هم در عرصه زبان‌شناسی و هم در موضوع‌های مرتبط با ادراک محیط و فضا، بسیار به آن توجه شده است بحث نقش و اهمیت زبان در فرآیند ادراک انسان از محیط است. فعالیت مؤثر در فضا را می‌توان از مهمترین ضروریات بقای حیات فردی و اجتماعی انسان دانست. لازمه این فعالیت‌ها نظام‌های ادراکی-شناختی بسیار پیچیده فضایی است. زبان‌ها، به لحاظ تبیین فضا و اجزاء و عناصر آن، می‌توانند متفاوت باشند. این تفاوت می‌تواند در نحوه ادراک، تعبیر و شناخت محیط و فضای زیست باشد. انسان، در هر جامعه‌ای، برای برقراری ارتباط متقابل با محیط و انسان‌های اطراف خود مجبور به کسب یک دانش زبانی درباره فضا و نحوه استقرار اشیا در آن است. [۴]

زبان در جریان ارتباط با محیط و افراد جامعه دو نقش مهم بازی می‌کند. از یک سو استفاده از زبان برای نامیدن اجزا و عناصر محیطی، به نوعی، تجزیه جهان به اجزای بسیار کوچک و منفک است که با توجه به توانمندی‌ها و محدودیت مغز انسان جهان را برای او قابل درک می‌کند. از سوی دیگر، و در مقابل این نقش جزء گرایانه، زبان به واسطه وجود سازمان و ساختار خاص خود یک ماهیت کل‌گرا دارد. به همین علت، در بستر کلی خود، بین لغات و مفاهیمی که ظاهراً به طور مجزا ساخته و بیان می‌شوند پیوند و وحدتی ناپیدا را برقرار می‌کند. در نتیجه می‌توان زبان را دارای خاصیت‌های همزمان جزء‌گرا و کل‌گرا دانست. زبان به واسطه توانمندی‌ها و ساختار خاص خود، امکان درک، طبقه‌بندی، شناخت و تحلیل جهان را در اختیار گویشوران خود قرار می‌دهد. هر چند تفکرات و روش‌های جزء گرایانه و کمی‌گرایانه اغلب سعی کرده‌اند درک انسان از محیط و فضا را امری مطلق و واحد بین همه انسان‌ها در اقصی نقاط عالم نشان دهند، با ظهور نظریات جدید این مدعا دیگر پذیرفتنی نیست، انسان برای فضا و انتقال اطلاعات فضایی به دیگران، نیاز به کسب دانش خاصی دارد که اصطلاحاً آن را «زبان فضایی» گویند. که البته درک و شناخت فضایی اشیاء مقدم بر کسب زبان فضایی خواهد بود. (همان)

۳- زبان شهر

شهر یک سخن است و این سخن حقیقتاً یک زبان است. شهر با ساکنان خود سخن می‌گوید، ما با شهرمان، شهری که در آن هستیم سخن می‌گوییم. صرفاً با زندگی کردن در آن، با پرسه زدن در آن، با نگاه کردن به آن. [۲]

شهر نوعی گفتمان است، و این گفتمان در واقع نوعی زبان است: شهر از ساکنانش سخن می‌گوید، ما از شهر خود سخن می‌گوییم. شهر جایی که ما هستیم، صرفاً علت زندگی کردن در آن، علت پرسه زدن در آن، و نیز خود علت نگاه کردن به آن است.

شهر، صاحب یک نظام تداعی معانی دارای حیات و سیال در بستر زمان است و در طول دوران از هر گونه نگاه شیء گونه به خود سرباز زده است. هر شهر در پهنه کره خاکی دارای زبان خاص خویش است و برای درک آن چاره‌ای جز هم‌زبانی با آن نیست؛ در حالی که حرفه‌مندان در مدارس شهرسازی فقط یک گویش را می‌آموزند که آن را هم بیشتر شهرها و شهروندان در نمی‌یابند. نتیجه این ناهم‌زبانی، توفیق نیافتن طرح‌های شهری، انزوای شهرسازان و ایراد اتهام به زبان نفهمی شهر و شهروندان از جانب شهرسازان بوده است.

برای اینکه ارتباط زبان با شهری که دائماً در حال دگرگونی است را بیان کنیم نظر فیلسوفان مختلفی همچون والتر بنجامین و لودویگ ویتگنشتاین و رولان بارت را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نظر این فیلسوفان این است که شکل شهر رابطه تفکیک‌ناپذیری با شکل و قالب‌های متنوع زبان دارد. از نظر بنجامین، ترجمه کردن در واقع نقطه تلاقی زبان‌ها و شبیه به کارکرد فضای مبهم معماری بازار در شهر است. مقایسه بنجامین بین ترجمه و بازار، رابطه زبان با حرکت و جابجایی در شهر را تداعی می‌کند. ما به علت شکل‌های زبانی به گونه‌ای شبیه به شکل و قالب‌های سیار در ساختارهای شهر سرگردان هستیم. در مقابل ویتگنشتاین فلسفه بنا شده بر روی عادی بودن کاربردهای زبان را تکوین و گسترش می‌دهد. او در بررسی‌های

فلسفی خود، شکل زبان‌های ناقص را با شکل شهر باستانی مرتبط می‌داند. زبان را می‌توان چنان‌ها شهری باستانی در نظر گرفت: هزارتویی از خیابان‌ها و میدان‌های کوچک، خانه‌های قدیمی و جدید، و خانه‌هایی با افزوده‌هایی از دوره‌های گوناگون؛ و تعداد زیادی مناطق جدید با خیابان مستقیم منظم و خانه‌های یکدست و یکنواخت. [۱۱]

در نظر ابتدایی اکثراً به اهمیت زبان توجه نمی‌شود زیرا روان بودن و شفاف بودن زبان موجب می‌شود که تصور کنیم زبان رابطه مستقیمی بین ما و واقعیت برقرار می‌کند. ذهن در ارتباط با واقعیت منفعل نبوده بلکه فعالانه واقعیت را دریافت می‌کند. این دریافت همواره از نقطه نظر خاصی صورت می‌گیرد. وقتی داده‌های حسی از خارج وارد ذهن ما می‌شود بین ذهن و واقعیت تداخلی صورت می‌گیرد بنابراین ما به نحو خاصی واقعیات را دریافت می‌کنیم. به عبارت دیگر "اگر واقعیت را در یک طرف و ذهن را در طرف دیگر قرار دهیم حیطه معانی نتیجه و محصول برخورد فعالانه ذهن و خارج است." زبان در رابطه



شکل ۱: ارتباطات زبان، [۷]

متقابل با داده‌های حسی است که خود نتیجه برخورد فعالانه ذهنی با واقعیت خارجی است. بنابراین فرهنگ و ذهنیت جمعی یک قوم با نقطه نظر ویژه خویش در برخورد با عالم خارج اولاً مبادرت به تقسیم‌بندی و نامگذاری (الفاظ) می‌کند و ثانیاً این نقطه نظرهای خاص فرهنگی در ترکیب جملات نیز بازنگری کرده و تأثیر می‌گذارد. [۷]

در ابتدا به نظر می‌آید که زبان‌ها ترجمه‌پذیرند. مثلاً در امور فرهنگی که ماده آن کالبد و تمدن است، و همچنین بسیاری از عناصر شهری از فرهنگی به فرهنگ دیگر معادل زبانی ندارند بنابراین تنها شکل و کالبد است که مفاهیم را در دو فرهنگ مختلف مورد شناسایی قرار می‌دهد. پس در واقع بین ما و متن، بین ما و تحلیل معانی، بین ما و عناصر طراحی (شهری و معماری)، بین ما و کتابی که ترجمه می‌شود پرده‌ای است که می‌توان گفت آن پرده بین ما و واقعیت است و در نتیجه رابطه ما با متن اصلی مشکل‌تر می‌گردد. بنابراین در شهرسازی هم نمی‌توان به صرف اینکه عکس مشاهده نمودیم یا طرحی از شهر را نگاه کردیم و یا حتی فیلم آن شهر را دیدیم بتوانیم فضاها و محیط آن شهر را بیان کنیم و تحلیل نماییم. و هرگاه حقیقت با واقعیت یکی شد می‌توان گفت بیان ما ناشی از درک صحیح فضاهای شهری است. و توجه به معنا شناسی و زبان است که به ما می‌گوید هر فضای دقیقاً محیط خاص خود را خلق نمی‌کند و متقابلاً محیط‌هایی را مشاهده می‌کنیم که فضای شهری را تغییر می‌دهد و تطابقی با فضا بوده است. بنابراین از زبان و ترجمه زبان در فرهنگ‌ها، قوم‌ها و شهرها می‌توان به این اصل رسید که: یک شهرساز باید بتواند به طریقی در سیستم شهر نفوذ کند، و با درک واقعیات محیطی و مشاهده فضاهای شهر به بیان آنچه از فضاها و محیط‌ها درک کرده بپردازد و این یک اصل مسلم شهرشناسی است. (همان)

در انتهای این بخش با مقایسه ویژگی‌های زبان با شهر، ارتباط این دو بررسی می‌شود. که در جدول زیر آورده شده است:



جدول ۳: ویژگیهای زبان و ارتباط آنها با شهر

ویژگی ها	در زبان	در شهر
دلبخواهی بودن	رابطه ای غیرطبیعی بین صورت و معنا	رابطه بین کالبد و معنا(عملکرد)
دوگانگی ساختاری	توالی واحدهای بی معنی ولی تمایز دهنده معنایی و تجزیه زبان به تکوازه و واژه	دو رویکرد استقرایی(از جزء به کل) و قیاسی(از کل به جزء) در مواجهه با شهر
زبایی و خلاقیت	نظام زبانی که کودک را قادر می سازد از تعداد محدودی عناصر و واژگان تعداد نامحدودی جمله بسازد و بفهمد	انسان با استفاده از الگوهای یکسان قادر است تعداد نامحدودی شهر متفاوت از هم ایجاد کند(وجود زبان الگوهای متنوع)
مرزبندی	یک علامت زبانی می تواند مشخصات متمایزی داشته باشد بدون اینکه بین این مرزها درجه پندی تداومی وجود داشته باشد	عناصر شهری هر کدام مشخصات متمایز از یکدیگر دارند.
معنامندی	توانایی انتقال معنا را دارد. زبان می تواند هر معنایی را به شونده منتقل نماید	هر شهر معنایی را به بیننده منتقل می نماید.
جابجایی	به کمک این خصوصیت می توان به زمان-های گذشته و آینده و مکان های متفاوت اشاره کرد	شهرها گویای وقایع تاریخ هستند.
دوسویگی	هر گوینده یا فرستنده علامت زبانی می تواند در موقعیتی دیگر شنونده یا دریافت کننده آن علامت باشد	ارتباط متقابل شهر با مخاطبش
خودپالایی	مبتنی بر ویژگی دوسویگی است. هم گوینده و هم شنونده می توانند گفته ها و شنیده های خود را کنترل و تعدیل هایی در آنها ایجاد نمایند.	شهر می تواند بر اساس مخاطبانش تغییراتی در فرم و عملکرد داشته باشد.
وابردگی	تأثیرات و پیام های فیزیکی زبان گوینده رابطه مستقیمی با پیامدهای آن در رفتار شونده ندارد	شهر در رفتار بیننده خود تأثیر می گذارد و با آن رابطه دارد(مستقیم و غیرمستقیم بودن آن مهم نیست)
اموختاری فرهنگی	زبان از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود	شهرها از نسلی به نسل دیگر پایدار می باشند
قابلیت یادگیری	انسان آنچه را از اجداد و نیاکان به عنوان زبان به جای مانده است به خوبی یاد می گیرد	انسان آنچه که از اجداد و نیاکانش از ساخت شهر به جای مانده به خوبی یاد می گیرد.
قابلیت بازتابشی	زبان انسان را قادر می سازد که از زبان برای اشاره به خود استفاده نماید	شهر انسان را قادر می سازد که از شهر برای اشاره به خود استفاده نماید. مثلاً من اصفهانی هستم!
قابلیت بازی	مبتنی بر ویژگی جابجایی در آن است. بر اساس آن می توان فراتر از واقعیت موجود سخن گفت.	از شهرهای دیروز می توان برای شهرهای امروزمان پند بگیریم.

بنا، همچون جمله در هنگام سخن گفتن، خود را می‌سازد. و این در ذهن افراد عادی به همان سهولتی رخ می‌دهد که در ذهن سازندگان. هر کس، اعم از اینکه سازنده باشد یا نباشد، می‌تواند خودش این کار را برای خود انجام دهد و بنایی را به وجود آورد. [1]

حال می‌خواهیم ببینیم چطور همین جریان می‌تواند به شهر نیز گسترش یابد. رشد شهر نه زاده ذهن یک تن است و نه زاده یک گروه منسجم از اذهان. شهر زاده میلیون‌ها میلیون فعالیت منفرد ساختن است. از کجا می‌توان مطمئن شد که شهری که از این فعالیت‌های کثیر متفرق به دست می‌آید کل منسجم باشد و آشفته و در هم ریخته و نامنسجم نشود؟ پرسش این است که این ساختار چگونه پدید می‌آید؟

الکساندر برای جواب دادن به این پرسش، آن را با پرسشی که در نخستین سال‌های علم زیست‌شناسی مطرح شد مقایسه می‌کند. «اندام زنده چگونه تکوین می‌یابد؟» در ابتدا زیست‌شناسان معتقد بودند که باید طراح نهایی‌ای در کار باشد. اما امروزه معلوم شده است که اندام زنده فقط با تعامل یاخته‌هایش به هدایت رزمهای ژنتیک تکوین می‌یابد. در مورد شهر نیز همین قضیه صادق است. روزگاری مردم معتقد بودند که شهر را باید شهرساز طراحی کند. به رغم این همه شواهد آشکار از شهرها و روستاهایی که در جوامع سنتی بدون طرح جامع ساخته شده است، این باور بدیهی تلقی شد و مردم از خودشان سلب اختیار کردند. [1]

در اندام در حال رشد لحظه‌ای نیست که پایان یا هدف باشد و یک جریان تحولی در کار است. این جریان در دقیقه‌های بعدی و بعدی تکرار می‌شود و الگوهای لازم اندک اندک و ناگزیر به وجود می‌آیند. این کار محصول سلسله مراحل تحول است. که این کار از طریق کنش‌های شیمیایی صورت می‌گیرد. و همچنان که رشد پیش می‌رود، کنش‌های شیمیایی نیز تغییر می‌کنند. (همان)

در شهر نیز باید همین کار صورت گیرد. فقط با این تفاوت که در شهر، کنش‌های شیمیایی جای خود را به آگاهی مردم از الگوهای کلامی می‌دهد که قوانین رشد را فراهم می‌کنند. در پایین‌ترین مرتبه، هر فرد مالک فضای خصوصی خود است و متناسب با نیاز خود، مسئول کمک به ایجاد الگوهای آنجاست. خانه‌ها تک تک عمل می‌کنند تا الگوهای بزرگ‌تری را پدید آورند که مجتمع به آنها نیاز دارد. مجتمع‌ها با هم عمل می‌کنند تا الگویی را پدید آورند که محله به آنها نیاز دارد. محله‌ها با هم عمل می‌کنند تا الگوهایی را پدید آورند که جامعه به آنها نیاز دارد. جوامع با هم عمل می‌کنند تا الگوهایی را به وجود آورند که کل شهر به آنها نیاز دارد. (همان)

۴- نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که زبان و نظریه‌های زبانی می‌توانند پایه نظری مناسبی برای تدوین نظریه‌های غیرزبانی در سایر حوزه‌ها و همچنین «شهرسازی» باشند. بنابراین برای فهم شهر، باید به پس‌دیوارهای آن رفت، باید به محدوده خیالی و تصویری آن، رسوخ کرد. برای حس کردن شهر، باید این حساسیت را داشت که آن را دیگرگونه دید، باید نظام نشانه‌ای شهر را برای خواندن شهر دریافت. لازم است زبان، کلام و لهجه شهر، بازشناخته شود و بتوان روح شهر، ذهن شهر و فرهنگ شهر را درک کرد.

با مطالعه شهر به مثابه یک متن و با استفاده از روش‌های زبان‌شناسی می‌توان در پس اشکال و معانی ظاهری، ژرف ساخت-هایی را جست و جو کرد که زبان شهر به واسطه آنها تولید شده است؛ ژرف ساخت‌هایی که به ساخت‌های مختلف وجودی تعلق دارند؛ برخی به ساخت‌های اندیشه انسانی و برخی به عوالم برتر وجودی. ژرف ساخت‌هایی که در عمیق‌ترین سطح خود، تجلی عالم مثال‌اند. و برخی هم به موقعیت و شرایط اقلیمی و آب و هوایی مربوط می‌شود.

روساخت با بخش واجی ارتباط پیدا می‌کند و عمل گشتارها از نوع افزایش، کاهش، حذف و جابه‌جایی بر روی ژرف ساخت، به روساخت منجر می‌شود. وظیفه‌ی روساخت تعیین تلفظ، الگوی تکیه و آهنگ متفاوت برای جمله‌هایی با ژرف ساخت مشترک است. روساخت بعد از اینکه جنبه‌ی آوایی پیدا کرد، به صورت گفته ظاهر می‌شود. روساخت همین جملاتی است که ما می‌گوییم و می‌نویسیم. تفاوت زبانها با یکدیگر بیشتر در مرحله روساختی آنهاست و مرتبه ژرف ساختی زبانها مشترکات زیادی با یکدیگر دارند. در شهر هم روساخت‌ها همان چیزی است که می‌بینیم. همانطور که در شکل ۱ نشان داده شد، در واقع همان شکل ها و فعالیت‌های شهری می باشند.



شکل ۱: ارتباط ژرف ساختها و رو ساخت هادرتدوین زبان شهر

۵- مراجع

- ۱- الکساندر، کریستوفر، معماری و راز جاودانگی. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه، ۱۳۸۹
- ۲- اهری، زهرا، مکتب اصفهان در شهرسازی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات؛ انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵
- ۳- باطنی، محمدرضا، درباره زبان (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۴
- ۴- براتی، ناصر، زبان، تفکر و فضا. تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور، ۱۳۸۲
- ۵- ترنر، تام، شهر همچون چشم انداز. ترجمه: فرشاد نوریان، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۶
- ۶- خاتمی، محمود، جهان در اندیشه‌های هایدگر. اندیشه معاصر، ۱۳۷۸
- ۷- دادور، احمد، جزوه درس درک و بیان محیط شهری. اصفهان: دانشگاه شیخ بهایی، گروه شهرسازی، ۱۳۸۹
- ۸- سالینگاروس، نیکوس. ا، ساختارهای زبان الگو. ترجمه: سعید زرین مهر، فصلنامه تحقیقات معماری، جلد چهارم، ۱۳۸۳
- ۹- سامه، رضا، زبان الگو، سرمشق طراحی (طراحی بر پایه آموزه‌های بومی در محیط). مقطع کارشناسی ارشد؛ ایران، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه معماری، شهریور ۱۳۸۵
- ۱۰- فریادی، شهرزاد، مقایسه نظریه‌های اساسی زبان‌شناسی به منظور تدوین زبان طراحی شهری محلی (در مکان‌های خاص). هنرهای زیبا. شماره ۸، ۱۳۷۹
- ۱۱- ماروک، مایکل، زبان در شهر: زبان شهر. فصلنامه معماری ایران، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۱۳۹۰

چگونگی شکل گیری حس تعلق در شهر

کبریا صداقت رستمی *

حس تعلق از معیارهای ارزیابی محیط‌های با کیفیت است که ویژگی‌های کالبدی نظیر فرم و روابط اجزای کالبدی با تأکید بر فعالیتهای اجتماعی محیط، نقش مهم و مؤثری در شکل‌گیری آن دارا می‌باشد. یکی از تأثیرگذارترین پژوهش‌ها در راستای تعیین مؤلفه‌های ارتباط شهروندان و محیط شهری، کتاب «روانشناسی مکان» «کانتر» است. کانتر با ارائه مدل مکان، سه مؤلفه مشخصات کالبد، فعالیت و معنا (مفهوم) را ابعاد اصلی هر گونه پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت رابطه مردم و محیط شهری با رویکرد هویت و خاطره جمعی در طرح‌های توسعه معرفی می‌کند. وضعیت کالبدی به عنوان ظرف زندگی هر روزه با فعالیت به عنوان هر آنچه در این ظرف کالبدی تجربه می‌شود و معنا به عنوان علت واقع شدن این فعالیت‌ها معرفی می‌شود که تغییر هر یک از این‌ها بر دیگر ابعاد مؤثر است و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه بایستی هر سه جنبه را لحاظ نمایند (سلطانی و دیگران ۱۳۹۰).

حس تعلق اجتماعی

بر اساس سلسله‌مراتب نیازهای مارلو، نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران پس از نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی قرار گرفته که در اثر برآورده نشدن این نیاز، فرد به شدت درد تنهایی، انزوا، مطرود بودن، نداشتن دوست و نداشتن ریشه در جامعه را احساس می‌کند (مارلو ۱۳۶۹، ۸۰) و در پی آن، به دنبال تعلق و عضویت در گروه و همسان بودن در اهداف و پیروزی‌های گروهی و قبولی عام یافتن و آسایش خاطر ناشی از آن است.

از نظر مارکوسکی و لاورو، وابستگی احساسی موجب تقویت و تثبیت همبستگی گروهی می‌شود زیرا حس تعلق گروهی، به عنوان عنصر اساسی و سازنده گروه، زمینه پیوند اعضای گروه و در نتیجه پویایی گروهی را تضمین می‌کند. به نقل از هومانس^۱ از آنجا که حس تعلق گروهی به کنش اجتماعی افراد جهت می‌دهد، مسیر دوام و توسعه گروه را نیز هموار می‌کند و از اینرو، هر گونه تضعیف آن موجب تضعیف بنیان‌های اجتماعی گروه می‌شود (بیدل و محمودزاده ۱۳۹۱).

شرایط اجتماعی از جمله عوامل تأثیرگذار بر افزایش تعلقات اجتماعی است، چراکه شرایط اجتماعی نامتعادل همانند وجود تبعیض و محرومیت می‌تواند سبب تصور و ادراک منفی در افراد نسبت به جامعه شود که نتیجه این ادراک، نارضایتی اجتماعی و سرخوردگی و بی‌اعتمادی عمومی است که بر احساس تعلق اجتماعی افراد مؤثر است. همچنین برخورداری از مزایای اجتماعی برابر، برای هر شهروندی لازمه ایفای نقش و حیات اجتماعی اوست؛ زیرا بدین صورت، مسیر فرار از تعاملات ملی و محیط اجتماعی مسدود می‌شود (Eclac 2007).

حس تعلق اجتماعی باید به عنوان عاملی اساسی در حیات اجتماع و عوامل مؤثر در تقویت و تضعیف آن شناسایی شوند. کاهش حس تعلق خاطر نسبت به جامعه می‌تواند پیامدهای بسیار مخربی در جامعه داشته باشد از جمله افزایش میزان مهاجرت، کاهش امید به آینده، انزوای فردی، احساس جدایی و سردرگمی در جامعه، از خودبیگانگی، گرایش به ارزش‌های بیگانه، کاهش احساس امنیت، مخدوش شدن روابط بین حقوق و تکالیف نقش‌ها، دشوار شدن پیش‌بینی کنش‌های اجتماعی،

* عضو هیات علمی گروه مهندسی شهرسازی
Homans^۱

بی‌اعتمادی، قانون‌گریزی، نزول گرایش به نظم، کاهش وفای اجتماعی و از بین رفتن انسجام اجتماعی، کاهش انگیزه برای پیشرفت و توسعه جامعه و بسیاری موارد دیگر (بیدل و محمودزاده ۱۳۹۱). احساس تعلق بسیار قوی بر میزان مشارکت بالاتر تأثیر داشته و در نهایت اینکه، حس تعلق موجب افزایش سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه می‌شود (Canada 2004). فضای شهر در شهرها اثر مثبت و مستقیمی بر همبستگی اجتماعی و تولید خاطرات در محیط اجتماعی دارد. فضاهای فرهنگی، تراکم فرهنگی و خلاصه هرچه جمعیت را به هم پیوند می‌دهد، در این مقوله دارای اهمیت است (مشیری و دیگران ۱۳۸۹).

➤ حس تعلق به مکان

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می‌سازد مکانی است که او خود را با آن شناسایی می‌کند و به دیگری می‌شناساند. وی هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن مکان را بخشی از خود بر می‌شمارد و میان او و آن مکان رابطه‌ای عمیق به وجود می‌آید. چنین رابطه‌ای عمیق‌تر از صرف بودن در آن مکان یا مواجهه با آن مکان است، به گونه‌ای که آن را می‌توان به «خود همایی با فضا» تعبیر کرد. در شکل‌گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد. در مرحله نخست محیط به وسیله فرد شناسایی می‌گردد که هویت مکان و یا حس مکان نامیده می‌شود. در مرحله دوم، فرایند پیوند روانی با مکان به انجام می‌رسد و به صورت هویت مکانی تداوم می‌یابد (رضا زاده ۱۳۸۵، ۲۳۶-۲۳۷).

به طور کلی، می‌توان سه معیار کلی رضایتمندی، مشارکت و مسئولیت‌پذیری را برای بررسی میزان حس تعلق ساکنان در نظر گرفت. همچنین، رضایتمندی ساکنان از طریق برآورده شدن توقعات ذهنی ساکنان از مکان سکونت حاصل می‌گردد، که خود به پنج معیار تفصیلی تقسیم می‌شود: ۱- آسایش ۲- امنیت ۳- آرامش ۴- خودمانی بودن ۵- دنج بودن (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۹۸).

در مجموع حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح ۱۳۸۵، ۵۷).

➤ رویکرد کالبدی به حس مکان

حس مکان یعنی تجربه و درک یک شخص از قرارگاهی ویژه و به آنچه از ماهیت مکان برای یک انسان ادراک می‌شود، با داشتن این حس متفاوت بودن محیط به فرد القا می‌شود. عوامل شکل‌دهنده‌ی حس مکان را می‌توان در دو گروه عوامل ادراکی شناختی و کالبدی دسته‌بندی کرد که به سه صورت تفاوت فضای (کالبدی)، جهت‌یابی در فضا و درک فضا (ادراکی و شناختی) نمود پیدا می‌کند. عوامل ادراکی- شناختی، فرایندی ذهنی و فردی است که شکل‌گیری و حفظ آن همراه با فرایندهای بیولوژیکی، محیطی، روانشناختی و اجتماعی فرهنگی است و برای طراح قابل کنترل نخواهد بود (نگین تاجی ۱۳۹۰).

➤ سطوح مختلف حس مکان

حس مکان دارای سطوح مختلفی است که در جدول (۱) به آن اشاره شده است.

جدول ۱: سطوح مختلف حس مکان

سطح	وضعیت ارتباط فرد با مکان
بی تفاوتی نسبت به مکان	این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی شود ولی می تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد.
آگاهی از قرارگیری در یک مکان	این سطح هنگامی است که فرد می داند که در یک مکان متمایز زندگی می کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند وجود ندارد. در این حالت، فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی داند که بخشی از آن مکان است.
تعلق به مکان	در این سطح، فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد. در این حالت، نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می دهد برای فرد مهم است.
دلبستگی به مکان	در این سطح، فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می دهد. در این حالت بر منحصر بفرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان ها تأکید می شود.
یکی شدن با اهداف مکان	این سطح نشاندهنده در آمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت، فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می کند. در فرد، شور، عشق، حمایت و از خود گذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.
حضور در مکان	این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است توجه دارد و در مقابل، تمامی سطوح قبل که مبنای نظری داشتند، این سطح از رفتارهای واقعی افراد برداشت می شود.
فداکاری برای مکان	این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری زیادی برای گرایش ها، ارزش ها، آزادی ها و رفاه در موقعیت های مختلف از خود نشان می دهد. در این سطح، آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به دلیل علایق بزرگتر نسبت به مکان وجود دارد.

(ضرابیان و منعم ۱۳۸۹)

➤ عوامل شکل دهنده حس مکان

از نظر فریتز استیل، مهمترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک حس مکان عبارتند از: اندازه مکان؛ درجه محصوریت؛ تضاد؛ مقیاس انسانی؛ فاصله؛ بافت؛ رنگ؛ بو؛ صدا؛ تنوع بصری. او همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهّم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می داند. از نظر سالوان، حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می آید که هر کدام از آنها به تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عواملی مختلفی چون بی حوصلگی، یکنواختی ساختمان ها و ظهور عصر دیجیتال تهدیدی برای حس مکان به حساب می آیند. از نظر او شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین، وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و قضاای خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل دهنده حس مکان هستند، که در خلق آن مؤثرند (ضرابیان و منعم ۱۳۸۹). از آنجایی که حس مکان به مرور زمان منجر به ایجاد حس تعلق نسبت به مکان در افراد می گردد، عوامل مذکور را می توان به عنوان عوامل شکل دهنده حس تعلق نیز در نظر گرفت.

➤ نتیجه‌گیری

بطور کلی می‌توان گفت، حوزه خصوصیات کالبدی، فعالیت، معنای شکل گرفته از حیات هر روزه اذهان شهروندان، زمینه‌های شکل‌گیری هویت و خاطره و ایجاد سرزندگی در محیط‌های شهری است البته، به نظر می‌رسد که حوزه‌های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی است و این امر نشان‌دهنده‌ی اهمیت برنامه‌ریزی در جهت ارتقای فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی است. بنابراین، می‌توان به موارد زیر به عنوان مهمترین عوامل شکل‌دهنده‌ی حس تعلق در افراد اشاره نمود:

آسایش؛ امنیت؛ آرامش؛ تنوع؛ خودمانی بودن؛ دنج بودن؛ دسترسی آسان به امکانات جمعی؛ نفوذپذیری؛ حضورپذیری (امکان تداوم حضور مردم)؛ وجود پاتوق‌ها و فضاهای جمعی؛ سرزندگی؛ حفظ و نگهداری مکان زندگی و کمک به نظافت و بهداشت محیط.

در ادامه، پیشنهادهایی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و طراحی شهری در راستای دستیابی به حس تعلق ارائه می‌شود:

- پرداختن به فضای شهری به عنوان مکان ظهور حوادث اجتماعی، برخورد نزدیک و گرم ساکنان برای اثبات خاطرات جمعی در طراحی شهرها، از نکته‌های اساسی است که قطعاً در تقویت هویت، حس تعلق به مکان و همبستگی‌های اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد.

- برنامه‌ریزی برای بهبود عوامل کالبدی بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط‌های شهری شود.

- آلمان‌های شهری از اجزای مهم مبلمان شهری می‌باشند که می‌توانند در ارتقاء حس مکان و هویت شهروندان تأثیر بسزایی داشته باشد و بهتر است از نظر گرافیکی طوری طراحی شوند که با محیطی که در آن هستند به صورت منطقی و بصری ترکیب شده و از این ترکیب سبب بوجود آمدن علائمی شوند که بطور مؤثر با مردم ارتباط برقرار کنند (Mateus, 2006).

- در راستای تأکید بر هویت، خاطره و شکل‌گیری حس تعلق بایستی زمینه‌های زیر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد:

ریخت‌شناسی عناصر کالبدی، نماها و خط آسمان، کیفیت فضاهای شهری، لبه‌های خیابان‌ها، نشانه‌های شهری، یادمان‌ها، مجسمه‌ها، منظر طبیعی و طرز آمیزش آن با محیط مصنوع، تقویت فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی و ایجاد مکان‌های سوم چون کافه‌ها و رستوران‌ها، گالری‌ها، فرهنگ‌سراها، تأکید بر کارکردهای روزانه و شبانه، ایمنی و امنیت، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری و...

➤ منابع

- ۱) بیدل، پریناز و علی اکبر محمودزاده، ۱۳۹۱. بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛ مطالعه موردی شهر مشهد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۲.
- ۲) رضازاده، راضیه، ۱۳۸۵. رویکردی روانشناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید - اردیبهشت ۸۴، کتاب دوم، شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۳) سلطانی، علی، ابراهیم زرگری مرندی و احمدعلی نامداریان، ۱۳۹۰. شکل‌گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاهای شهری، نمونه موردی محور شهید چمران شیراز.



۴) ضرابیان، فرناز و محمدرضا منعم. ۱۳۸۹. بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان. شهرداریها، سال نهم، شماره ۸۹.

۵) قاسمی اصفهانی، مروارید. ۱۳۹۰. اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت های مسکونی. تهران: روزنه.

۶) مازلو، ابراهام. ا.ج. ۱۳۶۹. انگیزش شخصی. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.

۷) مشیری، رحیم، آزیتا رجبی و سیده فضا جعفرزاد شورکائی. ۱۳۸۹. جایگاه عرصه های عمومی و همگانی در ایجاد هویت در شهرهای جدید؛ نمونه موردی شهر جدید پرند. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۹.

۸) نگین تاجی، صمد. ۱۳۹۰. بررسی نقش عوامل کالبدی در تشکیل مفهوم حس مکان. فصلنامه منظر، شماره ۱۳، فروردین ۱۳۹۰.

9) Eclac. 2007. *Social Cohesion: Inclusion and a Sense of Belonging in the United Nations*.

10) Canada. 2004. *Statistics (2003, 2004) General Social Survey On Social Engagemen, An Overview of Findings, Cycle 17*.

11) Mateus, Ana Sofia 2006. *Outlet City Metzging an Urban cultural identity based on consumption*.



شیخ ما گفت... *

پارسایی نزد فروشندهای رفت تا از او پیراهنی بخرد؛ یکی از حاضران فروشنده را گفت: این فلان پارساست بهایش را از او کمتر بستان؟! زاهد گفت: ما آمده‌ایم تا با پولمان پیراهن بخیریم، نه بازهدمان! و از آنجا رفت.

چوپان پارسایی را گفتند گرگ‌ها در میان گوسفندان تواند و آسیب نمی‌رسانند! از کی گرگ‌ها باگوسفندان آشتی کرده‌اند؟! گفت: از آن گاه که چوپان با خدای خویش آشتی کرده است!

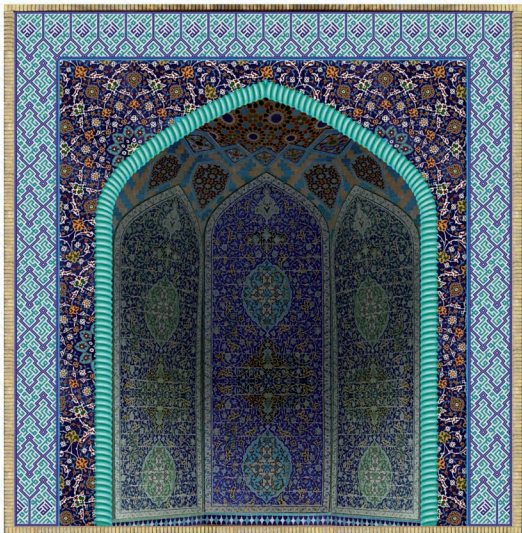
زاهدی گفت: اگر شرب نبود به دنیا بودن را دوست نمی‌داشتیم! دیگری گفته است: دمیدن صبح مایه اندوهناکی من است!
امام زین العابدین (ع) فرمود دنیا خواب است و آخرت بیداری، و ما در میان این دو، خواب‌هایی آشفته و در همیم!

مستان که گام در حرم کبریا نهند یک جام وصل را دوجهان در بها نهند
سنگی که سجده گاه نماز ریای ماست ترسم که در ترازوی اعمال ما نهند

خوش آن که صلاي جام وحدت درد داد خاطر ز ریاضی و طبعی آزاد
در منطقه‌ی فلک نزد دست خیال در پای عناصر سرفکرت ننهاد



بخش ویژه نماز





نماز

حمید کاظمی*

امیر مؤمنان هنگام عبور از صحن «بیت الله الحرام»، نگاهش به مردی افتاد که نیکو نماز می‌خواند. پس فرمود: ای مرد، حقیقت نمازت را می‌شناسی؟ مرد گفت: ای پسر عموی بهترین آفریده خدا، آیا نماز حقیقی جز عبادت دارد؟ علی علیه السلام فرمود: بدان ای مرد، همانا خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را به کاری از کارها برنیانگیخته جز اینکه متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه این‌ها بر اساس عبادت است. پس هر کس حقیقت نماز را نشناسد، همه نمازهایش، ناقص و ناتمام است.

۲ - شیخ صدوق: مردی از امیرمؤمنان پرسید: ای پسر عموی بهترین آفریده خداوند متعال، معنای بالا بردن دست‌ها در تکبیر نخست چیست؟ فرمود: معنایش این است: خدا بزرگتر، یکتا و بی همتاست، مانند ندارد، با دست لمس نمی‌شود و حواس پنجگانه، او را در نمی‌یابد.

۳ - احمد بن علی راهب: مردی به امیرمؤمنان عرض کرد: ای پسر عموی بهترین آفریده خدا، معنی سجده نخست، چیست؟ فرمود: حقیقتش این است: خدایا همانا تو مرا از آن - یعنی از زمین - آفریدی و (معنای) سربرداشتن: تو مرا از آن خارج کردی و (معنای) سجده دوم: و به آن باز می‌گردانی و (معنای) سربرداشتن از سجده دوم: و بار دیگر ما را از آن خارج می‌کنی. آن مرد گفت: (معنای) افکندن پای راست بر پای چپ در تشهد چیست؟ فرمود: حقیقتش این است: خدایا، باطل را بمیران و حق را بر پادار.

۴ - امام علی علیه السلام - در معنای گفته امام جماعت: السلام علیکم - فرمود: همانا امام، گفته خدا را تفسیر می‌کند و در ترجمه آن به جماعت نمازگزار می‌گوید (این نماز) امانی برای شما از عذاب خدا در روز قیامت است.

۵ - جابر بن عبدالله انصاری: با مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام بودم که مردی را دیدم به نماز ایستاده است. پس به او فرمود: ای مرد، آیا حقیقت نماز را می‌دانی؟ عرض کرد: ای مولای من، آیا نماز حقیقی غیر از عبادت دارد؟ پس فرمود: آری. سوگند به کسی که محمد را به نبوت برانگیخت هیچ پیامبری را به کاری از کارها برنیانگیخته، جز اینکه متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه این‌ها بر عبادت، دلالت می‌کنند. پس آن مرد عرض کرد: ای مولای من مرا از آن آگاه کن.

حضرت فرمود: حقیقت (هفت) تکبیر آغازین تو که با آن کارهایی را بر خود حرام می‌کنی این است: هنگامی که الله اکبر نخست را می‌گویی، در دلت بگذرانی: خدا بزرگتر از آن است که به برخاستن و نشستن توصیف شود. و در تکبیر دوم، به حرکت و سکون و در سوم، به جسم بودن یا تشبیه به چیزی کردن یا با چیزی مقایسه کردن توصیف شود و در تکبیر چهارم در دلت می‌گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که حالت‌های گوناگون بر او عارض شود یا بیماری‌ها او را بیازارد و در تکبیر پنجم در دلت می‌گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که به جوهر و عرض بودن توصیف شود، تا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند. در تکبیر ششم در دلت می‌گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که هر چه بر موجودات حادث (پدید آمده) روا بدانی؛ چون نابودی و جابجایی و دگرگونی از حالتی به حالتی، بر او نیز روا داری. و در تکبیر هفتم، اینکه حواس پنجگانه او را دریابد.

پس حقیقت کشیدن گردن در کوع آن است که در دلت بگذرانی: به تو ایمان آوردم، حتی اگر گردنم را بزنی. و در سر برداشتن از رکوع هنگامی که می‌گویی: «خدا به آن که او را می‌ستاید، گوش می‌دهد، سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است»، حقیقتش این است: کسی که مرا از عدم به وجود آورد و حقیقت سجده نخست آن است که در حال سجده



در دلت بگذرانی: مرا از آن (زمین) آفریدی و حقیقت سربرداشتن: و مرا از آن خارج کردی و سجده دوم: و مرا به آن باز می-گردانی و در سر برداشتن (دوم) به دلت می گذرانی: و بار دیگر مرا از آن خارج می کنی.

و حقیقت نشستن بر سمت چپ و بلند کردن پای راست و افکندن آن بر پای چپ این است که به دلت می گذرانی: خدایا همانا من حق را بر پا کردم و باطل را میراندم. و حقیقت تشهدت: نو کردن ایمان و بازگشت به اسلام و اقرار به خیزش پس از مرگ است و حقیقت سلام دادن ها: بزرگداشت پروردگار سبحان و بزرگ دانستن او از هر چه ستمکاران می گویند و کجروان توصیف می کنند. و حقیقت گفته ات: «سلام بر شما و نیز رحمت و برکات خداوند» ترخم از خداوند سبحان است، یعنی: این (نماز) امانی برای شما از کیفر روز قیامت است. سپس امیرمؤمنان فرمود: اگر کسی حقیقت نماز را اینگونه نداند، نمازش ناقص است.

۶ - امام صادق علیه السلام: معنای سلام در پایان هر نماز، همان معنای امان است؛ یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیامبرش را با فروتنی و افتادگی در برابر او، انجام دهد، از بلای دنیا در امان و از کیفر آخرت رهیده است.

۷ - عبدالله بن فضل هاشمی: از امام صادق علیه السلام معنای سلام دادن در نماز را پرسیدم، فرمود: نشانه امان و پایان یافتن نماز است. گفتم: فدایت شوم این چگونه است؟ فرمود: در میان مردمان گذشته، هرگاه شخص تازه وارد بر آنان سلام می داد، خود را از بدیش در امان می دیدند و اگر جواب سلام او را می دادند، او نیز خود را در امان می دید. پس اگر سلام نمی داد، خود را در امان نمی دیدند و اگر جواب سلام را بر سلام دهنده، رد نمی کردند، او خود را در امان نمی دید و این خوی عرب بود. پس سلام دادن نشانه بیرون رفتن از نماز و حلال کردن گفتار است و امانی برای نماز از آنچه به آن وارد شده و تباهش می کند. سلام نامی از نام های خداوند جلّ جلاله است و آن از نمازگزار بر دو فرشته خدا که بر او گمارده شده اند، داده می شود.

«ده اصل برای انتخاب شریک زندگی مناسب»

نویسنده: دکتر نیل کلارک وارن

مترجم: مهدی قراچه داغی

سید شهاب الدین ادیبی و ازاده آرمان پناه*

آنچه گذشت:

مجبور نیستیم چون نابیناها در تاریکی بسر ببریم. نشانه‌های ازدواج‌های موفق و ناموفق کاملاً مشخص‌اند. مرور اجمال زیر می‌تواند به شما کمک کند:

اصل شماره ۱: از هفت خطای انتخاب همسر اجتناب کنید.

۱- سرعت بیش از اندازه در انتخاب همسر جایز نیست.

۲- در کمسالی ازدواج نکنید، صبر کنید بگذارید که به اندازه کافی شناخت پیدا کنید مطمئن شوید که با چگونه شخصی قصد ازدواج دارید.

۳- بیش از حد برای ازدواج اشتیاق نشان ندهید، به بیش از حد مشتاقان دیگر هم اجازه ندهید شما را به ازدواج زود هنگام و نسجیده وادار کنند.

۴- برای راضی کردن دیگران ازدواج نکنید.

۵- قبل از اینکه کسی را به جمیع جهات نشناخته‌اید با او ازدواج نکنید.

۶- با توقعات بیجا ازدواج نکنید.

۷- با اشخاصی که با مسائل رفتاری و شخصیتی ادامه‌دار مواجه هستند ازدواج نکنید.

اصل شماره ۲: درباره کسی که قصد ازدواج با او را دارید اطلاعات کافی بدست آورید. به قدری تدبیر به خرج دهید تا ازدواج با او برایتان قابل توجه باشد.

اصل شماره ۳: با کسی ازدواج کنید که به شما شباهت داشته باشد.

اصل شماره ۴: تنها در صورتی ازدواج کنید که هم شما و هم کسی که با او ازدواج می‌کنید از سلامت روانی و عاطفی برخوردار باشید.

اصل شماره ۵: با کسی ازدواج کنید که در نظر شما جذاب باشد. اما قبل از ازدواج رسمی خویش‌ن‌داری کامل را به خرج دهید.

اصل شماره ۶: وقتی ازواج کنید که نسبت به همسران مهر و عشق عمیق داشته باشید. بدایند که شهوت ممکن است از میان برود اما مهر و عشق عمیق پایدار باقی می‌ماند.

اصل شماره ۷: صمیمیت کلامی را بیاموزید. اینگونه عشق شما به هم افزایش می‌یابد.

اصل شماره ۸: قبل از ازدواج راه حل و فصل اختلافات را بیاموزید.

اصل شماره ۹: تنها در صورتی ازدواج کنید که بتوانید به ازدواجتان متعهد گردید. تعهدی برای همه مدت عمر، مادام که این تعهد برای همه مدت عمر را به کسی که قصد ازدواج با او را دارید ندادم‌اید، حتی فکر ازدواج را از سرتان بیرون نکنید. قبول دارم که به زور نیروی اراده نمی‌توان کسی رو دوست داشت. بهتر اینست که عشق به طور طبیعی جاری شود. آیا

پایبندی به تعهد دشوار است؟ دشوار؟ گاه به نظر غیر ممکن می‌رسد. خیلیها از خود می‌پرسند چگونه می‌توانم کسی را که با من بد رفتار می‌کند، آزارم می‌دهد، پای تعهدش نمی‌ایستد دوست بدارم، حرمتش را رعایت کنم و گرمی‌اش بدارم؟ چگونه می‌توانم او را در حالی دوست بدارم که اغلب شبها دیر به منزل می‌آید؟ چگونه او را دوست بدارم در حالیکه با پدر و مادرش درباره من بدگویی می‌کند؟ چگونه او را دوست بدارم که دنبال کار نمی‌گردد؟ مواد مخدر استعمال می‌کند، چگونه او را دوست بدارم وقتی بر سر بچه‌ها فریاد می‌کشد؟ چگونه او را دوست بدارم که اینهمه در حق من خساست می‌کند؟

گاه ازدواج به قدری با دشواری روبروست که داشتن تعهد غیر ممکن به نظر می‌رسد.

تعهد به ازدواج چه منافعی دارد؟

۱- تعهد در سه دوره دشوار روابط زناشویی زن و شوهر را کنار هم نگه می‌دارد.

الف: در خلال دو یا سه سال نخست ازدواج.

ب: در دوران هیجانات فروکش کرده.

ج: در زمان دشواریها.

۲- تعهد در قبال ازدواج ترس از ترک شدن و تنها ماندن را به حداقل می‌رساند.

۳- تعهد در زندگی زناشویی اعتماد و صمیمیت را امکانپذیر می‌سازد.

اصل شماره ۱۰: اگر پدر، بستگان و دوستان نزدیک شما بر ازدواجتان مَهر تأیید می‌زنند، به اتفاق آنها جشن بگیرید. و اگر مخالف این ازدواج هستند، قبل از هر گونه تصمیم‌گیری به سخنانشان گوش فرا دهید.

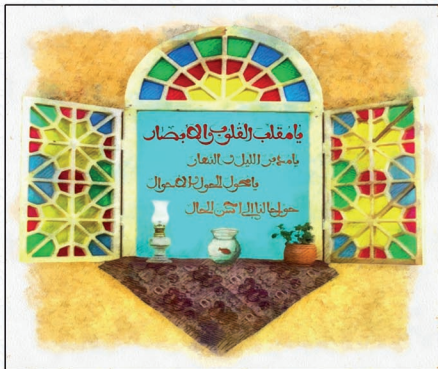
مناسبت ها در فصل بهار

۱ فروردین : عید نوروز

رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید
صفیر مرغ برآمد بط شراب کجاست
ز میوه های بهشتی چه ذوق دریا بد
مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب
ز روی ساقی مه وش گلی بچین امروز
چنان کرشمه ساقی دلم ز دست ببرد
من این مرقع رنگین چو گل بخواهم سوخت
بهار می گذرد دادگسترا درباب

وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید
فغان فتاد به بلبل نقاب گل که کشید
هر آن که سیب زنخدان شاهی نگزید
به راحتی نرسید آن که زحمتی نکشید
که گرد عارض بستان خط بنفشه دمید
که با کسی دگر نیست برگ گفت و شنید
که پیر یاده فروشش به جرعه ای نخرید
که رفت موسم و حافظ هنوز می نچشید

حافظ



شهادت امام علی النقی (ع)



ولادت امام جواد (ع)

امام جواد (ع) فرمودند: تواضع و فروتنی زینت بخش علم و دانش است، ادب داشتن و اخلاق نیک زینت بخش عقل می‌باشد، خوش روئی با افراد زینت بخش حلم و بردباری است.



ولادت امام علی (ع)



شهادت امام موسی کاظم (ع)



مبعث رسول اکرم (ص) - (فریادگر عشق)

تاریخ، به مکه رسیده است تا شروعی دیگرگونه را رقم بزند؛ آغازی دیگرگونه در خاکی آفتاب سوخته، در خاکی تشنه، در خاک آکنده از دختران زنده به گور، در خاک آرزوهای زیر خاک، تاریخ ایستاده است تا بنویسد؛ تا پنجره‌ها را به خواندن فراخواند و کوچه‌ها را به شنیدن. ایستاده است تا در دل صخره‌ها و سنگریزه‌ها، نور جاری کند.

تاریخ، به مکه رسیده است و کسی از آسمان به زمین پا می‌گذارد. با دست‌هایی از روشنی آکنده و از نور آکنده. فریادگر آزادی، فریادگر عشق و آزادی است؛ این که از دامن تاریخ، پا بر خاک مکه می‌گذارد و افلاک، پا به پای او حرکت می‌کنند.

نقطه نقل تاریخ است؛ این که ابرها، بر فرازش سایه می‌گسترند، این که قلم در دست‌هایش به فریاد آمده و می‌گوید: «قراء» اینک، تو پیامبر خدایی و راه آسمان، از دست‌های تو می‌گذرد.

تاریخ در مکه می‌ایستد تا شروعی دیگرگونه را رقم بزند، تا صدایی رسا، در گوش خاک بپیچد، تا آرزوهای زنده به گور شده را از خاک بیرون کشد، تا از خاک، به افلاک پل بزند.

دیوارها، به سایه آسمانی‌ات دست می‌کشند. درخت‌ها، اقتدا به صلابت می‌کنند.

دست‌هایت، بهاری دیگرگونه را برای خاک، به ارمغان آورده است.

تو، تاریخی تازه ای که چون چشمه‌ای زلال، از حرا جاری شدی تا دل‌های تشنه را از آنچه در سینه داری، بنوشانی.



ولادت امام حسین (ع)

دریایی به نام حسین

می گویند: «پایان شب سیه سپید است» و
از این رو، خورشید تو دوبار، متولد شد؛
یکی در خانه فاطمه و دیگر بار بر نیزه های
شیزدگان.

روزی که عطر تو در ایوان ملائک پیچید،
ملائک، تبریک گوی پروردگار تو بودند، تا
ذرات جهان، به سجود درآمدند و تو را
ذکر گفتند؛ «یا حسین».

خداوند، تو را آفرید تا از رعدِ گریه های
شبانه علی، باران رحمت خود را بر زمین
ببارد و به ازای هر قطره اشک علی،
دریایی به نام حسین را هدیه کند.

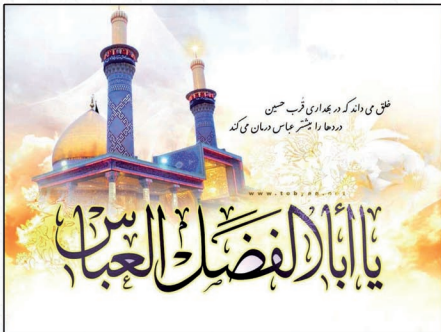
میلادت مبارک یا ثارالله...



ولادت حضرت ابوالفضل العباس (ع)

خلق می دانند که در بیداری قرب حسین
در دعا را بیشتر عباس در میان می کند

يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ



ولادت حضرت امام سجاد (ع)



روز بزرگداشت شیخ بهایی

سوم اردیبهشت ماه، روز بزرگداشت شیخ بهایی، عالم کم نظیر، فقیه و حکیم فرزانه است؛ او که از شاگردان شهید ثانی و از افتخارات جهان اسلام به شمار می‌آید، شیخ بهایی در طول حیات پر بار خویش، به نقاط مختلف جهان سفر کرد و از محضر استادان برجسته، در رشته‌های گوناگون استفاده کرد و در بسیاری از دانش‌ها متبحر شد. او با ارائه حدود ۱۰۰ اثر ارزنده در شاخه‌های مختلف علم و تربیت شاگردان بسیار که هر کدام منشأ برکات فراوان بودند، به جهان اسلام روشنائی بخشید.

میراث ماندگار شیخ، هنوز پس از قرن‌ها چراغ راه پویندگان دانش و دین است. شیخ بهایی که در کودکی وارد ایران شده بود، از همان دوران، علاقه وافری به یادگیری زبان فارسی نشان داد و سرانجام با مکالمه، ترجمه و نگارش به زبان فارسی به خوبی آشنا شد. از نخبگان و فرزندان دوران که خوشه چین خرمن پرفیض شیخ بهایی بودند، می‌توان ملاصدرا، شیرازی، ملامحسن فیض کاشانی، فیاض لاهیجی، محقق سبزواری، سیدحسن کرکی، سیدماجد بحرانی و ملامحمدتقی مجلسی را نام برد که هر کدام از آنها، خدمتی بزرگ به دنیای اسلام ارائه دادند و نقشی عظیم در هدایت جامعه بشری ایفا کردند.





ولادت حضرت علی اکبر (ع)

حضرت امام خمینی (قدس سره) در درس اخلاقشان فرمودند: تمام مداخل و گفتار اهل بیت (علیهم السلام) خصوصاً حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در مورد حضرت علی اکبر (علیه السلام) حاکی از این است که اگر علی اکبر (علیه السلام) در کرپلا به شهادت نمی‌رسید، خود، امام «مفترض الطاعه» می‌بود. (یعنی امامی که اطاعت او واجب است).

ولادت حضرت قائم عجل الله فرجه

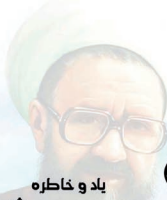


سلام بر جان‌ها، طراوت هستی، شادابی بخش روزگاران
سلام بر امام عالم و آدم، مولای انس و جان، یکتا نگار جهان
سلام بر امید زندگی و مایه حیات!...

سلام بر مهدی، آنکه نام دلنشینی‌اش جان را معطر می‌کند و یاد دل‌انگیزش روح را طراوت می‌بخشد...
سلام بر تو ای بقیه اولیای خدا در زمین، ای ذخیره خاندان وحی، ای آخرین امید سالروز میلادت را جشن می‌گیریم
و یکدیگر را بر غنچه‌های تهنیت نثار می‌کنیم و شکوفه‌های تحیت می‌افشانیم...

اما همینکه خاطر را از یاد ولادت خوش می‌داریم، گلخنده‌های شوق بر لب‌هایمان می‌یژمرد و غمی بزرگ بر جانمان سایه می‌افکند و نقش خیال را برهم می‌زند. غم دوری تو عزیزترین...
 آخر کدام هجران دیر پای تاریخ است که بیش از هزار و صد سال به درازا کشیده شده باشد؟!
 آیا هجران امروز ما به فردای وصال تو نمی‌رسد؟!
 آیا درد عالم سوز ما را درمانی نیست؟!
 آیا تشنگی ما را آب گوارایی فرو نخواهد نشانده؟!
 آری وعده خدا تخلف‌ناپذیر است. به یقین روزی خواهد آمد!...
 این یلدای هجران را صبحی در می‌رسد. این زمستان بی‌فروغ را قدوم بهاران در هم خواهد شکست.
 روزی خواهد رسید که آفتاب از کعبه می‌دمد و گل‌های امید شکوفه می‌کند. زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود.
 تو خواهی آمد، ذوالفقار علی در دست. بر کعبه تکیه خواهی زد و فریادی جهانگیر بر خواهی داشت که: انا بقیه الله المنتقم!

شهادت استاد مرتضی مطهری


روزگار حکیم

یاد و خاطره

شهید معلم

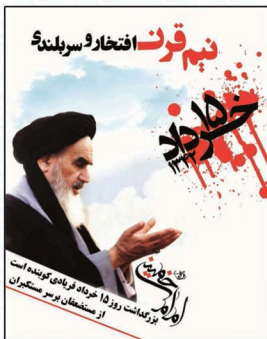
مرتضی مطهری

انسان کامل یعنی انسانی که قهرمان همه ارزش‌های اسلامی است و در همه میدان‌های انسانیت قهرمان است. شهید مطهری

ولادت امام حسن مجتبی (ع)



قیام ۱۵ خرداد و رحلت امام خمینی (ره)





شهادت حضرت امام علی (ع)

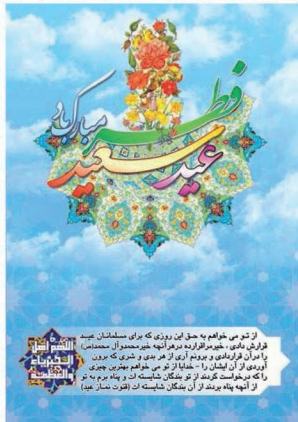


عید فطر

میوه های فطر

رمضان، دعوتی است به باز یافتن «خود گمشده»، ندایی است برای توجه به خدای فراموش شده، ضیافتی است برای تناول از مائده تقوا و پایان این مهمانی خدایی، عید فطر است؛ عید توفیق بر طاعت و اطاعت، عید توبه و تهذیب نفس، عید ذکر و یاد محرومان و گرسنگان.

فطر، چیدن میوه‌هایی است که از فطرت می‌جوشد. فطر، سپاس نعمتی است که در رمضان نازل شده است. پیروزی بر خصم درون، جشتی روحانی دارد به نام عید فطر که میثاق بستن با فطرت را از سوی روزه‌داران مجاهده‌گر اعلام می‌دارد. عید فطر، پاداش افطارهای خالصانه و



به جاست، مهر قبولی اتفاق‌های با قصد قربت و پایان‌نامه دوره ایثار و گذشت در مسایل مالی است. فطر، عید خداجویی و خداترسی و خداپرستی است.

اخبار دانشگاه در بهار ۹۷

- همایش انجمن علمی گروه زبان انگلیسی در تاریخ ۹۷/۲/۱۷



- برگزاری جشن دانش آموختگان در تاریخ ۹۷/۲/۲۰



- مراسم افطاری دانشگاه به انجمن های علمی و کانون مراسم های فرهنگی در تاریخ ۹۷/۳/۶



Jame' of Sheikh Bahae

June 2008, Internal Magazine of Sheikh Bahae University

